

گزارش تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی در (هلند)

روز سه شنبه ۷ فوریه بنا بر تصمیم کمیته‌ی برگزارکننده‌ی تظاهرات، راس ساعت مقرر (۲ بعدازظهر) جمعیتی بالغ بر ۶۰ ، ۷۰ نفر در خیابان محل سفارت حضور به هم رسانند.

پلیس پیشاپیش از هر دو طرف خیابان را بسته بود و مانع از رفتن تظاهر کنندگان به جلو سفارت بود، اما با صحبت و خواست مسئولین، پلیس موافقت کرد تظاهر کنندگان خیابانی را دور زده و خود را به جنب سفارت برسانند.

تظاهر کنندگان در طی راهپیمایی و تا رسیدن جلو سفارت همراه با بلندگویی که بر روی ماشینی نصب بود و شعارها را هماهنگ می‌کرد هم صدا به زبان فارسی و هلندی شعار می‌دادند و سیاست‌های ضدکارگری و سرکوبگرانه‌ی جمهوری اسلامی را محکوم نموده و حمایت و پشتیبانی خود را از خواسته‌های بر حق آنان اعلام می‌داشتند:

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کارگران زندانی آزاد باید گردند!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
مرک بر جنایت کاران!

تشکل مستقل حق کارگران است!
شوراهای اسلامی ضد کارگران است!

جمعیت تظاهر کننده گاه دسته جمعی سرودهای انقلابی می‌خوانند و گاه از بلندگو آهنگ پخش می‌شد که باعث شور خاصی در بین آنان می‌گردید؛ و فریاد رسا و خشمگین خود را به گوش مزدوران داخل سفارت می‌رساندند.

این لانه‌ی جاسوسی نابود باید گردد!
این مرکز تروریستی نابود باید گردد!

مرگ بر جنایت کاران!
مرگ بر حزب‌الله!

در لابلای برنامه‌های فوق اطلاعاتی آکسیون نیز قرائت می‌شد - که ضمیمه‌ی همین گزارش است - و در پایان ضمن تاکید مسئولین بر تداوم حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران در ایران به طور کلی و کارگران شرکت واحد به طور مشخص و در اشکال متفاوت، خواستار همبستگی و اتحاد هر چه بیشتر نیروهای انقلابی بودند.

جمعیت تظاهر کننده که در بین خود افرادی از ملیت‌های دیگری را نیز از جمله: هلندی، ترک و کرد را هم راه داشتند با خواندن سرود اینترناسیونال به آکسیون خود خاتمه دادند.

آطلاعه! آکسیون

اطلاعیه آکسیون

رژیم جمهوری اسلامی که از پس توطئه و فریب، و با استفاده‌ی ابزاری از باورهای دینی مردم کارگر و زحمتکش ایران، قیام آن‌ها را به سرقت برد؛ تنها از طریق بازداشت و شکنجه و کشتار می‌توانست تداوم یابد. تاریخچه‌ی این جمهوری که چیزی جز استبداد بربرمنشانه‌ی سرمایه در پوشش دین نبوده است، در یک عبارت خلاصه می‌شود: استثمار و سرکوب کارگران، زحمتکشان، سرکوب و تحقیر زنان و خلق‌های محروم ایران.

هم چنان که رژیم ضد کارگری پیشین هم با ترفندهای دیگری در راستای خواست امپریالیست‌ها و حفظ منافع سرمایه‌داران زالو صفت شیره‌ی جان کارگران را می‌مکید.

جمهوری اسلامی که علاوه بر استبداد ذاتی سرمایه، عبا‌ی استبداد ما قبل سرمایه را نیز تن پوش دارد، در سایه‌ی دلالتی و چپاول درآمدهای حاصل از نفت و حاصل تلاش رنجبران، چنان از ارزش کار و انسان کاست که دیگر خط فاصلی بین «برده» و «کارگر» وجود ندارد. آری! جمهوری اسلامی برای توده‌های مردم معنایی جز کار بردگی، فقر همه‌جانبه، هراس، تزویر، اعتیاد و فحشا و و نداشته است.

جمهوری اسلامی، این دغلکارانه‌ترین تبلور سرمایه، درسایه‌ی جنگ و بحران آفرینی‌های رنگارنگ‌اش هرندای آزادیخواهی و دگراندیشی را با زندان و شکنجه و کشتار پاسخ داده و می‌دهد، تا همه‌ی آحاد جامعه را به کارگر ارزان و منفرد تبدیل کند؛ تا زنان را به قربان گاه مردسالاری بکشاند؛ تا کودکان را در پی لقمه نانی به خیابان بفرستد، و سرانجام تا شرف و انسانیت انسان را به درماندگی نان و سرپناه ناچیزی بکشاند که با زجر و هراس و رقابت آلوده است.

جمهوری اسلامی با تبدیل «خدا» به «کارگر»، انحلال حق تشکل و سازمان‌یابی کارگران و زحمتکشان را رسمیت بخشید: تا کارگران پیشرو، فعالین جنبش کارگری و کمونیست‌ها را به جوخه‌های مرگ بپردازد، تا دست کارفرما را در عدم پرداخت دست مزد باز بگذارد؛ تا به دستور بانک جهانی قراردادهای قانونی و بورژوائی کار را به قرار دادهای موقت فرو کاهد و دریچه‌ی «انباشت سرمایه» را به جنایت کارانه‌ترین شکل ممکن برای صاحبان ریز و درشت سرمایه باز بگذارد.

جمهوری اسلامی اعتراض ساده‌ی کارگران خاتون‌آباد را با توپ و هلی‌کوپتر چنان جنایت‌کارانه پاسخ گفت که به همه‌ی کارگران و زحمتکشان بفهماند که اعتراض و تشکل معنایی جز گلوله و مرگ ندارد. با وجود همه‌ی این‌ها، جامعه‌ی کارگری ایران روزی را بدون اعتراض و اعتصاب از سر نمی‌گذراند؛ و کارگران «شرکت واحد» در میانه‌ی این هیاهوی سرکوب و شکنجه و زندان و کشتار تشکل مستقل خود را سازمان دادند و اراده کرده‌اند که حقوق حقه‌ی خود را پی گیرند و از سرکوب و ارباب و زندان نهراسند.

گرچه کارگران متشکل در سندیکای شرکت واحد به جای انعقاد پیمان دستجمعی با همسران و فرزندان‌شان روانه زندان شدند و در خطر بیکاری و دربه دری به سر می‌برند، اما گامی که کارگران شرکت واحد برداشتند، همانند تخمه‌ای مناسب در دریای توده‌های کارگر، چنان رویش می‌گیرد که سرانجام مبارزه‌ی ضد سرمایه‌دارانه‌ی طبقه‌کارگر را به مصاف هرگونه‌ای از ستم‌گری و احجاف و در روند و تکامل خود به نابودی نظام سرمایه‌داری می‌کشاند.

بنابراین، ما (شرکت‌کنندگان در این آکسیون اعتراضی) پیمان می‌بندیم تا آزادی بی‌قید و شرط همه‌ی کارگران شرکت واحد، تا بازگشت به کار همه‌ی شرکت‌کنندگان در اعتصاب چهارم دی، تا انعقاد پیمان دستجمعی ششم (در شرکت واحد)، تا به رسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگری و تا تحقق همه‌ی مطالبات کارگران در ایران از پانمی‌نشینیم و از خواست‌های رفقای کارگر و مبارزانشان حمایت و پشتیبانی کنیم.

اما از آن جا که بدین باوریم که جوهره‌ی مطالبه‌ی کارگران شرکت واحد - همانند همه‌ی دیگر بخش‌های کارگری - در راستای آزادی بی‌قید و شرط از بندگی فروش نیروی کار است؛ از این رو پیمان می‌بندیم تا از همه‌ی کنش‌ها و مبارزات کارگری حمایت کنیم و تا سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از پانمی‌نشینیم؛ و بدین طریق شایستگی انسانی خویش را به اثبات برسانیم.

پس فریاد می‌داریم:

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
زنده و پایدار باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی!
زنده باد سوسیالیسم!

برگزارکنندگان:

اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران - هلند
فعالین چریک‌های فدایی خلق ایران - هلند
کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) - هلند
هواداران حزب کار ایران (توفان) - هلند
سازمان پرایم - هلند
جمعی از فعالین کارگری و کمونیست - هلند

حمایت کنندگان:

سازمان زنان ۸ مارس ایرانی- افغانستانی - هلند، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هلند، فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند، کانون دانشجویان ایرانی در هلند، کومله - سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - هلند و نشریه‌ی دانشجویی "بزر"